

پاره‌های ایران شناسی

۱۸۱- مدرسه‌ی مطالعات آسیایی و آفریقایی

دانشگاه لندن

شاید مهم‌ترین مرکز اروپایی برای مطالعات آسیایی و آفریقایی در جهان، «مدرسه‌ی مطالعات آسیایی و آفریقایی» دانشگاه لندن است. در تابستان ۲۰۰۸ بخشی از ذخائر مدرسه‌ی مطالعات آسیایی و آفریقایی دانشگاه لندن را به نمایش گذاشته بودند، از جمله:

الف. در مجموعه‌یی از مرقعات شامل مرقع‌هایی از قرن یازدهم تا سیزدهم در قطعه‌یی مورخ ۱۱۰۵ ق / ۱۶۹۳ م به خط محمدصالح، این شعر به خط نستعلیق آمده است:

هر نفس دل در شکنج غم سرودی می‌کند

های‌های گریه‌ام آهنگ رودی می‌کند

من نمی‌دانم که دل می‌سوزد از غم یا جگر

آتش افتاده است در جایی و دودی می‌کند

ب. شاید شاهکار خط و نقاشی این نمایشگاه، نسخه‌یی از انوار

سهیلی ملّا حسین واعظ کاشفی سبزواری مورخ ۲۲ ربیع‌الثانی ۹۷۸ ق برابر ۲۳ سپتامبر ۱۵۷۰ م بود که به خط خوش نستعلیق برای اکبرشاه امپراطور هند استنساخ شده است و دارای ۲۷ مینیاتور است.

۱۸۲- عرفان حج در قصیده‌ی ناصرخسرو

شعری معروف است که: دل به دست آور که حج اکبر است. در این مصرع، حج هم مثل جهاد که اصغر و اکبر دارد: رجعتا من الجهاد الاصغر و علیکم بالجهاد الاکبر، اصغر و اکبر دارد. در شریعت البته حج اکبر حَجَّةُ الاسلام است و حج اصغر عمره است. در عرفان، حج اصغر، انجام مناسک معین است و حج اکبر، اسرار و لطائف عرفانی. در تبیین این اشارات و بشارات، کتاب‌هایی هست با عنوان «اسرار العبادات» که لطائف و اسرار عبادات را رمزگشایی می‌کنند؛ برای نمونه در مناسک حج:

۱- احرام اشاره به ترک شهود مخلوقات و استغراق در مشاهده‌ی خالق است.

۲- ترک لباس دوخته، اشاره به ترک صفات بد و تخلّق به

صفات نیک است.

۳- سر تراشی (حلقِ رأس) اشاره به ترک جاه‌طلبی و برتری‌جویی و حس ریاست است.

۴- قربانی‌کردن، یادآور تصمیم ابراهیم خلیل به ذبح حضرت اسماعیل در پی رؤیای معهود، در «منا»ست که خداوند به‌جای ذبح اسماعیل، قربانی‌کردن گوسفندی را پذیرفت و رمز این قربانی، کشتن حیوان نفس‌آماره است که انسان باید با شمشیر ایمان، هواجس نفسانی را قربانی کند. این معانی را ناصر خسرو قبادیانی در قصیده‌ی معروف زیر آورده است:

حاجیان آمدند با تعظیم

شاکر از رحمت خدای رحیم

آمده سوی مگه از عرفات

زده لبیک عمره از تعظیم

خسته از محنت و بلای حجاز

رسته از دوزخ و عذاب الیم

یافته حج و عمره کرده تمام

باز گشته به سوی خانه، سلیم

من شدم ساعتی به استقبال

پای کردم برون ز حدّ گلیم

مر مرا در میان قافله بود

دوستی مخلص و عزیز و کریم

گفتم او را بگوی چون رستی

زین سفرکردن به رنج و به بیم

تا ز تو باز مانده‌ام، جاوید

فکرتم را ندامت است ندیم

شاد گشتم بدان‌که حج کردی

چون تو کس نیست اندرین اقلیم

بازگو تا چگونه داشته‌ای

حرمت آن بزرگوار حریم

چون همی خواستی گرفت احرام

چه نیت کردی اندر آن تحریم

جمله بر خود حرام کرده بُدی

هرچه مادون کردگار عظیم

گفت نی، گفتمش زدی لبیک

از سر علم و از سر تعظیم

می‌شنیدی ندای حقّ و جواب

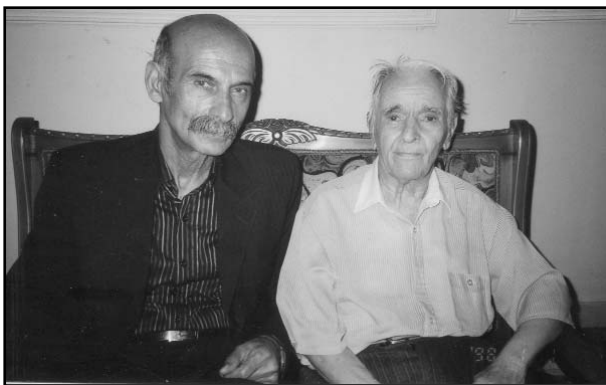
باز دادی چنان‌که داد کلیم

۱۸۳- تصویر مشاهیر

الف. اکبر گلپایگانی (استاد آواز) و یکی از خوانندگان جوان تحت تأثیر شیوهی آواز او (شاهین شفیعیان، سمت راست)



ب. دکتر انور خامه‌ای (پژوهشگر، آخرین بازمانده‌ی گروه ۵۳ نفر)، با یکی از فعالان مطبوعاتی (با ناصر نجم‌الدینی سیاهکلی)



پ. پروفسور سید حسن امین، در حالی که سید امین ساداتی با او مصاحبه می‌کند. این مصاحبه در روزنامه‌ی گیلان امروز (سال نهم، شماره‌ی ۲۵۵۷، نهم آذر ۱۳۸۸، ص ۳) چاپ شده است. (عکس از سید گلگیر ساداتی، رشت)



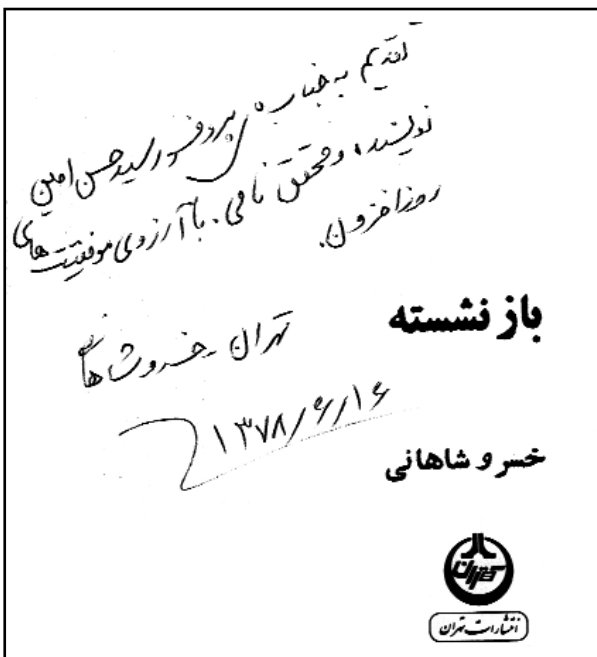
گفت نی، گفتمش چو در عرفات
 ایستادی و یافتی تقدیم
 عارف حق شدی و منکر خویش
 به تو از معرفت رسید نسیم
 گفت نی، گفتمش چو می‌رفتی
 در حرم هم‌چو اهل کهف و رقیم
 ایمن از شرّ نفس خود بودی
 در غم حرقت و عذاب جحیم
 گفت نی، گفتمش چو سنگ جمار
 همی انداختی به دیو رجیم
 از خود انداختی برون یک‌سو
 همه عادات و فعل‌های ذمیم
 گفت نی، گفتمش چو می‌کشتی
 گوسپند از پی اسیر و یتیم
 قرب حق دیدی اولّ و کردی
 قتل و قربانِ نفس دون لئیم
 گفت نی، گفتمش چو گشتی تو
 مطلع بر مقام ابراهیم
 کردی از صدق و اعتقاد و یقین
 خویشی خویش را به حق تسلیم
 گفت نی، گفتمش به وقت طواف
 که دویدی به هروله چو ظلم
 از طواف همه ملائکیان
 یاد کردی به گرد عرش عظیم
 گفت نی، گفتمش چو کردی سعی
 از صفا سوی مروه بر تقسیم
 دیدی اندر صفای خود کونین
 شد دلت فارغ از جحیم و نعیم
 گفت نی، گفتمش چو گشتی باز
 مانده از هجر کعبه دل به دو نیم
 کردی آن‌جا به گور مر خود را
 هم‌چنانی کنون که گشته رمیم
 گفت از این باب هرچه گفتی تو
 من ندانسته‌ام صحیح و سقیم
 گفتم ای دوست پس نکردی حجّ
 نشدی در مقام محو مقیم
 رفته و مکه دیده آمده باز
 محنت بادیه خریده به سیم
 گر تو خواهی که حج کنی پس از این
 این‌چنین کن که کردمت تعلیم

۴- سنت تعزیه داری دکتر محمد مصدق

ب. نامه‌ی طه حسین مصری، ادیب درجه‌ی اول جهان عرب به دکتر قاسم غنی:



پ. نمونه‌ی خط زنده‌یاد خسرو شاهانی، نویسنده، روزنامه‌نگار، داستان‌نویس و همکار حرفه‌ی بی‌مجله‌ی خواندنی‌ها (به مدیریت علی اصغر امیرانی) در قبل از انقلاب و مجله‌ی جدول گل‌گشت و کتیبه (به مدیریت حسینعلی سبزواری) پس از انقلاب:



سنت تعزیه‌داری امام حسین (ع) بویژه در ماه محرم و شب و روز تاسوعا و عاشورا از شعایر شیعیان و نمادی برای مبارزه‌ی جانانه‌ی شیعیان در برابر حکومت جابر یزید و خلافت اموی بود. ایرانیان از آغاز قیام مختار به خون‌خواهی امام حسین و سپس قیام ابومسلم برای برانداختن خلافت اموی و سرانجام با بر سر کار آوردن حکومت‌های شیعی آل‌بویه و سربداران و صفویان تا امروز همیشه سنت تعزیه‌داری امام حسین را در ایام محرم زنده نگاه داشته‌اند. از توده‌ی‌ها و دین‌ستیزان که بگذریم، در سال‌های اخیر بعضی ایران‌دوستان هم، ارزش این سنت‌های شیعی را زیر سوال برده‌اند، در حالی که زنده‌یاد دکتر محمد مصدق - پیشوای نهضت ملی ایران - نیز هر دو مؤلفه‌ی هویت ملی ایرانیان را که هم ایرانی‌ت و هم اسلامی‌ت است، مخلصانه باور داشت و شعائر اسلامی و سنت‌های شیعی را رعایت می‌کرد.

تا آن‌جا که به اهتمام مصدق به عزاداری در دهه‌ی اول محرم مربوط می‌شود، در نشریه‌ی یادآور (نشریه‌ی موسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران به مدیریت محمدحسین طارمی) در صفحه‌ی ۲۲۳ شماره‌ی ۴ و ۵ (آذر و زمستان ۸۷ و بهار ۱۳۸۸) به نقل از خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین ابوذر بیدار نوشته است که:

«در مورد تقید دکتر مصدق به تشیع و اسلام... ایشان در ایام محرم مرتباً در تهران روضه‌خوانی داشت، در احمدآباد هم روضه‌خوانی داشت. ممکن است الان باشند کسانی در احمدآباد که به خانه‌ی مرحوم دکتر مصدق تردد می‌کردند و در تعزیه‌داری و روضه‌ی ایام عاشورا شرکت می‌کردند. شاید باشند و بگویند که ایشان با عبا دم در می‌نشسته و آن‌جا عزاداری می‌کرده، مرثیه‌خوانی که به ده می‌آمد، یک پاکت اهالی می‌دادند، یک پاکت هم دکتر مصدق همراه با عبا به او می‌داد. این رویه‌ی مستمر مرحوم دکتر مصدق بود.»

۱۸۷- نمونه‌ی خط مشاهیر

الف. خط خانم فروزنده اربابی، اولین گوینده‌ی زن در ایران

